

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیمیه

- تقدیم به: پدر و مادر بزرگوارم که طوق بندگی و غلامی خاندان عصمت و طهارت، اهل بیت (علیهم السلام) را بر کردنم آویختند و مراثیه اشی عشرو شیعه کتب حضری نامیدند.
- تقدیم به: استادم که مجتب ارباب عالمین، اباصلاح المسدی (عبدالله تعالی فرجه الشریف) را به من چشانید و منهوم واقعی ظهور «محمدی موعود موجود» را به من فخانید.
- تقدیم به: به شهادی راه حقیقت و معرفت که علم و عمل را دو کوهر انسان سازیافتد و در مسیر این شناخت، جامه تعلق و مبنیت از تن به درکردند و آزاد و آزاده عروج نمودند.

تپارشناسی و اثره قشنگ

(بررسی معنای، ریشه‌ها و واژه شناسانه)

احسان مقصودی

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
یادداشت.....	۲۵
پی‌نوشت‌ها.....	۲۷
فصل اول: اهمیت واژه‌شناسی فتنه.....	۲۹
کلیات.....	۲۹
۱. تبارشناسی واژگان قرآن؛ یک واجب عقلی و شرعی.....	۳۰
۲. لزوم شناخت فتنه.....	۳۵
۲-۱. اهمیت فتنه‌شناسی از منظر قرآن کریم.....	۳۶
۲-۲. اهمیت فتنه‌شناسی از دیدگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله).....	۴۰
۲-۳. اهمیت فتنه‌شناسی از نگاه ائمه معصومین (علیهم السلام).....	۴۳
۲-۴. اهمیت فتنه‌شناسی در عصر غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه).....	۴۸
۲-۵. اهمیت فتنه‌شناسی در منش و گویش رهبران جمهوری اسلامی ایران.....	۵۲
۲-۵-۱. علل تشدید فتنه‌ها در دوران جمهوری اسلامی ایران.....	۵۲
۲-۵-۲. امام خمینی و فتنه‌ها.....	۵۳
۲-۵-۳. مقام معظم رهبری و فتنه‌ها.....	۵۴
۱. معنای فتنه.....	۵۴
دوم. نحوه ورود فتنه در جامعه.....	۵۵
سوم. راه درمان.....	۵۵
خلاصه فصل.....	۵۷
یادداشت‌ها.....	۵۹
پی‌نوشت‌ها.....	۶۳

فصل دوم: اتیمولوژی (ریشه‌شناسی) فتنه.....	۶۷
کلیات.....	۶۷
۱. وجوهات معنایی فتنه.....	۶۹
۱-۱. مجموع وجوهات معنایی فتنه.....	۷۵
۱-۲. نمودار وجوهات فتنه.....	۷۷
۲. ریشه و اصل واژه فتنه از نگاه واژه‌شناسان.....	۷۸
۲-۱. فتن در معنای اضطراب و اختلال.....	۸۰
۲-۲. فتن در معنای ذوب کردن برای جداسازی (حالص‌سازی).....	۸۶
۲-۳. فتن در معنای سوزاندن، سوختن و گداختن.....	۸۸
۳. معانی ساختاری ریشه فتنه (ماده فتن).....	۹۷
۳-۱. به صورت فعل.....	۹۸
۳-۱-۱. امتحان کردن به سختی، آزمودن به تکالیف سخت.....	۹۸
۳-۱-۲. مبتلا کردن به بلا و فتنه، در کفر و نفاق اندادختن، هلاک کردن.....	۱۰۰
۳-۱-۳. در آتش سوزاندن، عذاب کردن به آتش.....	۱۰۱
۴-۱-۳. صدمه زدن، کشتن.....	۱۰۱
۴-۱-۵. گمراه کردن، فریفتان، لغزاندن از راه حق.....	۱۰۱
۴-۱-۶. شکنجه دادن، به رنج اندادختن (برای ودار کردن به ترک دین).....	۱۰۲
۴-۱-۷. منحرف کردن از چیزی، بازداشت از پذیرش چیزی.....	۱۰۳
۴-۲. به صورت اسم.....	۱۰۳
۴-۲-۱. «فاتین»: گمراه کننده، منحرف کننده از حق.....	۱۰۳
۴-۲-۲. «مقتون»: محجون، دیوانه.....	۱۰۳
۴-۲-۳. «فتنه».....	۱۰۴
اول. عقوبت، عذاب، عذاب کردن.....	۱۰۴
دوم. آزمایش، امتحان، وسیله امتحان.....	۱۰۵
سوم. شرک و کفر.....	۱۰۷
چهارم. گمراه کردن و اختلاف کلمه و فساد در دین.....	۱۰۹
پنجم. مورد سلطه، تحت سلطه، مورد آزمایش.....	۱۱۰
ششم. آزمایش و امتحان به تکالیف سخت.....	۱۱۰
هفتم. آزار و اذیت، صدمه زدن.....	۱۱۲
هشتم. معذرت، عذر آوردن.....	۱۱۲

خلاصه فصل.....	۱۱۳
پی‌نوشت‌ها.....	۱۱۷
فصل سوم: «فتنه» در علوم و ادبیات مختلف.....	۱۲۳
کلیات.....	۱۲۳
۱. مفهوم فتنه در ادبیات فارسی.....	۱۲۴
۱-۱. کاربرد معانی ریشه فتنه (ماده فتن) در فرهنگ فارسی.....	۱۲۵
۱-۱-۱. معانی مصدری «فتنه».....	۱۲۵
۱-۱-۲. معانی اسمی «فتنه».....	۱۲۵
۱-۲. کاربرد واژه فتنه در ادبیات فارسی	۱۲۶
۱-۲-۱. فتنه در معانی مصدری	۱۲۶
۱-۲-۲. فتنه در معانی اسمی	۱۲۶
۱-۲-۳. فتنه در معانی اسم مصدری	۱۲۷
۱-۲-۴. ترکیبات فتنه.....	۱۲۸
اول. ترکیبات عربی فتنه.....	۱۲۸
دوم. ترکیبات فارسی فتنه	۱۲۹
۲. فتنه در ادبیات عرفانی.....	۱۳۰
۲-۱. منازل فتنه در سیر و سلوک.....	۱۳۱
۲-۱-۱. فتنه باختزی.....	۱۳۲
۲-۱-۲. فتنه خاوری	۱۳۲
۲-۲. معانی وجوهات فتنه در ادبیات عرفانی.....	۱۳۴
۲-۲-۱. فتنه در معنای سوزاندن.....	۱۳۵
۲-۲-۲. فتنه در معنای ذوب کردن طلا و نقره	۱۳۵
۲-۲-۳. فتنه در معنای گمراهی و ضلالت	۱۳۵
۲-۲-۴. فتنه در معنای اضطراب و اختلال	۱۳۶
۲-۲-۵. فتنه در معنای جنون.....	۱۳۶
۲-۲-۶. فتنه در معنای مال و اولاد	۱۳۶
۲-۲-۷. فتنه در معنای جنگ و قتال	۱۳۷
۲-۲-۸. فتنه در معنای بلا و امتحان.....	۱۳۷
۳. فتنه از نگاه تفسیری.....	۱۳۸
۴. در حروف فتنه	۱۴۴

۸ □ تبارشناسی واژه فتنه (بررسی معنایی، ریشه‌ای و واژه‌شناسانه فتنه)

۱۴۶.....	۱
۱۴۶.....	۲
۱۴۷.....	۳
۱۴۷.....	۴
۱۴۸.....	۵. فتنه در ادبیات سیاسی
۱۴۹.....	۱
۱۵۰.....	۲-۱. کودتا
۱۵۰.....	۲-۳. رفرم یا اصلاح
۱۵۰.....	۴. نهضت استقلال طلبانه
۱۵۰.....	۵-۱. آشوب و شورش
۱۵۱.....	۵-۶. پوزیسیون
۱۵۵.....	خلاصه فصل
۱۶۲.....	پی‌نوشت‌ها
۱۶۷.....	فصل چهارم: مفهوم فتنه از نگاه شرع مقدس
۱۶۷.....	کلیات
۱۶۸.....	۱. وجوهات معنایی فتنه از نگاه شرع مقدس اسلام
۱۷۰.....	۲. مفهوم بلا و مصیبت در شناخت فتنه
۱۷۰.....	۲-۱. بلا در نگاه واژه‌شناسانه
۱۷۱.....	۲-۱-۱. بلا در ادبیات فارسی
۱۷۲.....	۲-۱-۲. برخی امثال و تعبیرات مُثُلی بلا، در ادبیات فارسی
۱۷۳.....	۲-۱-۳. بلاء در ادبیات عرب
۱۷۳.....	۲-۱-۴. قالب ساختاری بلا در ادبیات عرب
۱۷۳.....	۲-۱-۵. اول. بلاء در قالب اسم
۱۷۴.....	۲-۱-۶. دوم. بلاء در قالب مصدر
۱۷۴.....	۲-۱-۷. ۲-۱-۵. هم ردیفان بلا
۱۷۵.....	۲-۲. مصیبت در نگاه واژه‌شناسانه
۱۷۶.....	۲-۳. ارتباط واژه «فتنه» با «بلا و مصیبت» از نگاه قرآن کریم
۱۷۶.....	۲-۳-۱. کاربرد فتنه و بلا در آیه ۳۵ سوره انبیاء
۱۷۷.....	۲-۳-۲. اول. مشترکات فتنه و بلا
۱۷۹.....	۲-۳-۳. دوم. افتراقات فتنه و بلا

فهرست مطالب □ ۹

۲-۳-۲. معنای مصیبت و بلا برای فتنه در آیه ۱۱ سوره حج	۱۸۰
۲-۳-۳. معنای مصیبت و بلا برای فتنه در آیه ۶۳ سوره نور	۱۸۲
۲-۳-۴. معنای مصیبت و بلا برای فتنه در آیه ۲۵ سوره انفال	۱۸۴
۲-۴. ارتباط واژه فتنه با بلا و مصیبت از نگاه نهج البلاغه	۱۸۵
۲-۴-۱. معنای مصیبت و بلا برای فتنه در حکمت ۳۶۹	۱۸۵
۲-۴-۲. معنای مصیبت و بلا برای فتنه در حکمت ۲۶۰	۱۸۷
۲-۴-۳. معنای مصیبت و بلا برای فتنه در حکمت ۱۵	۱۸۸
۳. مفهوم آزمایش و امتحان در شناخت فتنه	۱۸۹
۳-۱. آزمایش در نگاه واژه‌شناسانه	۱۸۹
۳-۲. امتحان در نگاه واژه‌شناسانه	۱۹۱
۳-۲-۱. واژه امتحان در ادبیات عرب	۱۹۱
۳-۲-۲. واژه امتحان در ادبیات فارسی	۱۹۳
۳-۲-۳. ارتباط واژه فتنه با «امتحان و آزمایش» از نگاه قرآن کریم	۱۹۳
۳-۳-۱. آیه امتحان	۱۹۴
۳-۳-۲. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۳۵ سوره انبیاء	۱۹۵
۳-۳-۳. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۲ و ۳ سوره عنکبوت	۱۹۷
۳-۳-۴. اول. شأن نزول این دو آیه	۱۹۸
۳-۳-۵. دوم. نگاه تفسیری بر این آیات	۱۹۹
۳-۳-۶. سوم. جامعیت آزمایش، نسبت به دیگر معانی برای فتنه در این آیات	۱۹۹
۳-۳-۷. ۳-۳-۴. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۲۰ سوره فرقان	۲۰۰
۳-۳-۸. ۳-۳-۵. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۴۹ سوره زمر	۲۰۲
۳-۳-۹. ۳-۳-۶. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۱۷ سوره دخان	۲۰۳
۳-۳-۱۰. ۳-۳-۷. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۴۰ سوره طه	۲۰۳
۳-۳-۱۱. ۳-۳-۸. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۸۵ سوره طه	۲۰۴
۳-۳-۱۲. ۳-۳-۹. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۹۰ سوره طه	۲۰۵
۳-۳-۱۳. ۳-۳-۱۰. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۲۴ سوره ص	۲۰۷
۳-۳-۱۴. ۳-۳-۱۱. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۳۴ سوره ص	۲۰۸
۳-۳-۱۵. ۳-۳-۱۲. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۵۳ سوره انعام	۲۰۹
۳-۳-۱۶. ۳-۳-۱۳. معنای آزمایش برای فتنه، در آیه ۲۷ سوره قمر	۲۱۰
۳-۳-۱۷. ۳-۳-۱۴. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۲۸ سوره انفال	۲۱۱

۲۱۳.....	۳_۳_۱۵. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۱۵ سوره تغابن.....
۲۱۴.....	۳_۳_۱۶. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۱۵۵ سوره اعراف.....
۲۱۵.....	۳_۳_۱۷. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۶۰ سوره اسراء.....
۲۱۷.....	۳_۳_۱۸. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۶۳ سوره صفات.....
۲۱۹.....	۳_۳_۱۹. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۳۱ سوره مدثر.....
۲۲۰.....	۳_۳_۲۰. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۱۱۱ سوره انبياء.....
۲۲۱.....	۳_۳_۲۱. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۵۳ سوره حج.....
۲۲۳.....	۳_۳_۲۲. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۲۳ سوره انعام.....
۲۲۴.....	۳_۳_۲۳. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۴۷ سوره نمل.....
۲۲۴.....	۴_۳_۲۴. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۱۲۶ سوره توبه.....
۲۲۶.....	۳_۳_۲۵. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۱۰۲ سوره بقره.....
۲۲۷.....	۳_۳_۲۶. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۱۷ سوره حن.....
۲۲۸.....	۳_۳_۲۷. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۸۵ سوره یونس.....
۲۳۰.....	۳_۳_۲۸. معنای آزمایش برای فتنه در آیه ۵ سوره ممتحنه.....
۲۳۱.....	۴. ارتباط واژه فتنه با «امتحان و آزمایش» از نگاه نهج البلاغه.....
۲۳۲.....	۱_۴_۳. فتنه در معنای آزمایش و امتحان در خطبه ۶۳ نهج البلاغه.....
۲۳۴.....	۲_۴_۳. فتنه در معنای آزمایش و امتحان در خطبه قاصعه.....
۲۳۶.....	۳_۴_۳. فتنه در معنای آزمایش و امتحان در حکمت ۹۳.....
۲۳۷.....	۳_۴_۴. برخی موارد دیگر از معنای آزمایش برای فتنه در نهج البلاغه.....
۲۳۸.....	۴. مفهوم «عذاب» در شناخت فتنه.....
۲۳۸.....	۱_۴. عذاب در نگاه واژه‌شناسانه.....
۲۳۹.....	۴_۴. ارتباط واژه فتنه با «عذاب» از نگاه قرآن کریم.....
۲۴۰.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره ذاريات.....
۲۴۱.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۱۰ سوره بروج.....
۲۴۲.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۱۰ سوره عنکبوت.....
۲۴۴.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۱۱۰ سوره نحل.....
۲۴۶.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۲۱۷ سوره بقره.....
۲۴۹.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیات ۱۹۱ و ۱۹۳ سوره بقره.....
۲۵۴.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۳۹ سوره انفال.....
۲۵۵.....	۲_۴_۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۱۳۱ سوره طه.....

۲۵۶.....۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۴ سوره مائدہ	۲-۹
۲۵۷.....۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۷۱ سوره مائدہ	۲-۱۰
۲۵۸.....۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۸۳ سوره یونس	۲-۱۱
۲۵۸.....۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۱۰۱ سوره نساء	۲-۱۲
۲۵۹.....۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۷۳ سوره انفال	۲-۱۳
۲۶۱.....۴. معنای عذاب برای فتنه در آیه ۱۴ سوره حمید	۲-۱۴
۲۶۲.....۳. ارتباط واژه فتنه با «عذاب» از نگاه نهج البلاعه	۳
۲۶۲.....۴. معنای عذاب برای فتنه در خطبه ۱۸۷ نهج البلاعه	۳-۱
۲۶۳.....۴. معنای عذاب برای فتنه در خطبه ۸۳ نهج البلاعه	۳-۲
۲۶۵.....۵. مفهوم «ضلالت و گمراهی» در شناخت فتنه	۵
۲۶۵.....۵. ضلالت در نگاه واژه‌شناسانه	۱
۲۶۷.....۵. معانی ساختارهای مختلف «ضَلَّ» در قرآن کریم	۲
۲۶۷.....۵. به صورت فعل	۲-۱
۲۶۸.....۵. به صورت اسم	۲-۲
۲۷۰.....۵. گمراهی در نگاه واژه‌شناسانه	۳
۲۷۱.....۴. ارتباط واژه فتنه با «ضلالت و گمراهی» از نگاه قرآن کریم	۴
۲۷۱.....۴-۱. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۱۶۲ سوره صافات	۱
۲۷۲.....۴-۲. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۲۷ سوره اعراف	۲
۲۷۳.....۴-۳. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۴۹ سوره مائدہ	۳
۲۷۴.....۴-۴. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۷۳ سوره اسراء	۴
۲۷۵.....۴-۵. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۱۴ سوره احزاب	۵
۲۷۶.....۴-۶. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۹۱ سوره نساء	۶
۲۷۷.....۴-۷. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۷ سوره آل عمران	۷
۲۷۸.....۴-۸. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیات ۴۷ و ۴۸ سوره توبه	۸
۲۷۹.....۴-۹. ارتباط واژه ضلالت با فتنه در آیه ۴۹ سوره توبه	۹
۲۸۱.....۵. ارتباط واژه فتنه با «ضلالت و گمراهی» از نگاه نهج البلاعه	۵
۲۸۱.....۵-۱. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در نامه ۴۵ نهج البلاعه	۱
۲۸۲.....۵-۲. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در خطبه ۱۹۱ نهج البلاعه	۲
۲۸۳.....۵-۳. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در نامه ۶۴ نهج البلاعه	۳
۲۸۴.....۵-۴. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در خطبه ۲۱۵ نهج البلاعه	۴

۵. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در خطبه ۱۵۴ نهج البلاعه.....	۲۸۵
۶. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در خطبه ۹۵ نهج البلاعه.....	۲۸۵
۷. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در نامه ۶۹ نهج البلاعه.....	۲۸۶
۸. فتنه در معنای ضلالت و گمراهی در خطبه ۱۷ نهج البلاعه.....	۲۸۷
۹. مفهوم جنون در شناخت فتنه.....	۲۸۸
۱۰. جنون در نگاه واژه‌شناسانه.....	۲۸۸
۱۱. ارتباط واژه فتنه با «جنون» از نگاه قرآن کریم.....	۲۸۹
۱۲. معنای جنون برای فتنه در آیه ۶ سوره قلم.....	۲۸۹
۱۳. جنون وجه معنایی مختص به قرآن کریم برای لفظ فتنه.....	۲۹۰
۱۴. فتنه، آشوب یا بحران؟.....	۲۹۰
۱۵. آشوب در نگاه واژه‌شناسانه.....	۲۹۲
۱۶. بحران در نگاه واژه‌شناسانه.....	۲۹۳
۱۷. برخی از ترکیبات واژه بحران.....	۲۹۴
۱۸. تشابه و افتراق بحران با فتنه در لغت.....	۲۹۵
۱۹. فتنه در معنای آشوب و بحران، معنایی مختص به نهج البلاعه.....	۲۹۶
۲۰. ارتباط واژه فتنه با «آشوب اجتماعی» در خطبه ۹۳.....	۲۹۸
۲۱. ارتباط واژه فتنه با «آشوب اجتماعی» در خطبه ۱۵۱.....	۲۹۹
۲۲. ارتباط واژه فتنه با «آشوب اجتماعی» در نامه نخست.....	۳۰۱
۲۳. ارتباط واژه فتنه با «آشوب اجتماعی» در خطبه ۵۰.....	۳۰۲
۲۴. ارتباط واژه فتنه با «آشوب اجتماعی» در اولین حکمت نهج البلاعه.....	۳۰۳
۲۵. ارتباط واژه فتنه با «آشوب اجتماعی» در خطبه‌های دیگر نهج البلاعه.....	۳۰۳
۲۶. خلاصه فصل.....	
۲۷. پی‌نوشت‌ها.....	۳۱۶
فصل پنجم: مقایسه و نتیجه‌گیری.....	۳۴۱
کلیات.....	۳۴۱
۱. معنای جامع برای ریشه فتنه.....	۳۴۲
۲. معنای لغوی جامع برای واژه فتنه.....	۳۴۴
۳. فتنه از واژه تا فرهنگ.....	۳۴۷
۴. خلاصه فصل.....	۳۵۰

فهرست مطالب □ ۱۳

۳۵۱	پی‌نوشت‌ها
۳۵۳	منابع و مأخذ
۳۵۳	الف. منابع فارسی
۳۵۸	ب. منابع عربی
۳۶۲	ج. منابع لاتین
۳۶۳	فهرست آیات
۳۶۷	فهرست روایات
۳۷۵	نمایه

فهرست نمودارها

نمودار شماره (۱): علل اهمیت و لزوم واژه‌شناسی فتنه	۵۶
نمودار شماره (۲): وجودهای معنایی فتنه	۷۸
نمودار شماره (۳): علل وقوع اختلال و اضطراب	۸۲
نمودار شماره (۴): اختلال و اضطراب، کانال ارتباط سوزاندن با فتنه	۸۴
نمودار شماره (۵): اختلال و اضطراب، کانال ارتباط محک و آزمایش با فتنه	۸۴
نمودار شماره (۷): اختلال و اضطراب، کانال ارتباط جنون با فتنه	۸۶
نمودار شماره (۸): آتش و سوزاندن، کانال ارتباط عذاب با فتنه	۹۰
نمودار شماره (۹): آتش و سوزاندن، کانال ارتباط کفر، شرک و گناه با فتنه	۹۱
نمودار شماره (۱۰): آتش و سوزاندن، کانال ارتباط آزمایش و امتحان با فتنه	۹۵
نمودار شماره (۱۱): آتش و سوزاندن، کانال ارتباط گمراهی و ضلالت با فتنه	۹۵
نمودار شماره (۱۲): آزمایش و سوزاندن، کانال ارتباط گمراهی و ضلالت با فتنه	۹۶
نمودار شماره (۱۳): شرح حروف فتنه	۱۴۸
نمودار شماره (۱۴): شرح حروف فتنه	۱۵۷

فهرست جداول

جدول شماره (۱): وجودهای معنایی فتنه در چهار کتاب لغوی معتبر	۷۱
جدول شماره (۲): تفاوت فِتنَ و فَتَنَ	۸۰
جدول شماره (۳): جدول نظامدار بررسی آیات فتنه و مشتقات آن	۳۱۵
جدول شماره (۴): معانی جامع برای فتنه و ریشه آن	۳۵۰

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَلَّنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (النَّمَاء، ١٥)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی های منحصر به فرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره مندی از اصول و آموزه های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان ها و مکان ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت گری و بشارت دهنگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِتَائِيْهِ أَقْوَمْ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ)، «صدور حکمت» (وَ الْقُرْآنُ الْحَكِيمُ)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقَرْآنٌ كَرِيمٌ) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعته مستمر به این کتاب الهی و بهره مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند، «قرآن» را از این حیث جامع معروفی نموده و تصریح دارد که «وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنَ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءًا جَدِلًا». این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سليم می تواند راهنمای باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان متنفسی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می دهد که می تواند بدان اتكاء نماید؛ چنان که فرموده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». با این مبنای و با عنایت به سفارش های بیان شده از سوی رسول خدا و ائمه معصومین ﷺ در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت ﷺ؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش های میان رشته ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره ای، آشکار می گردد. دانشگاه امام صادق ع به عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه های دینی تأسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار

بوده و بدین ترتیب از کثیری و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أُسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرَضْوَانَ خَيْرٍ أُمْ مَنْ أُسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و...) تنها اولویت محوری دانشگاه بهشمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجویریتی تعریف شده که رسول خدا ﷺ پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دانند؛ باشد که با قرآن از درافتان به گمراهی و کفر بازداشت شوند؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبَّ إِنَّ فَوْمِي أَتَخَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ هـ زمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشكر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ به ویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از رهنماوهای معصومین(علیهم السلام) در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَنَزَّلْ مِنَ الْقُرْآنَ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ». در این راستا همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آن‌ها اعلام می‌دارد.

وَلَلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق(علیهم السلام)

مقدمه

«فتنه یعنی حادثه غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است و چه کسی با غرض وارد میدان شده و از کجا تحریک می‌شود».

مقام معظم رهبری^۱

چرا واژه فتنه باید کالبدشناسی و کالبدشکافی شود؟

ستیز با آگاهی و بیداری مردم، نزاع بر سر مذاهب و مکاتب بشری، ایجاد فتنه‌های مختلف و گلآلودکردن آب حقیقت - از طریق گمراه کردن مردم از مسیر حق و عدالت - برای حاکمیت و استیلای بر جوامع، حکایتی دیرین دارد که به روایت قرآن کریم و شهادت تاریخ، این ستیز، بیوقفه و بی‌هیچ گذشت و تساهل همواره در صحنه جوامع و تاریخ آن، استمرار داشته است.

تاریخ پر فراز و نشیب اسلام نیز همواره شاهد سیلاب‌های گلآلود بحران‌ها، خدعاًها و فتنه‌هایی بر پیکره اجتماعی و اعتقادی خود بوده است که فتنه‌گران سودجو با خدعاً و نیرنگ از جهالت مردم، کسالت جامعه و عدم کفايت حاکمان، سوءاستفاده کرده، هیزم‌تر، سوزانده و با جولان دادن در میدان جامعه، از سوزش این آتش پر دود، بهره‌ها برده‌اند.

گاه با تفرقه‌افکنی در میان پیروان یک مکتب و فرقه، با طرح مباحثی در باب حکومت و مشکل اعمال حاکمیت (بدون ادعا نسبت به اصل مسئله خلافت)، گاه با طرح مباحث عقیدتی، ایجاد شک و تردید در اصول، مبانی و ایدئولوژی‌های مکاتب و به زیر سؤال بردن اصول اعتقادی، برای به انحراف کشیدن افکار و آراء عمومی، گاه به تخریب چهره‌های اصیل و معتقد که پایه‌ها و ستون‌های اصلی جامعه اسلامی بودند، پرداخته و آنان را به انزوا کشیدند تا بتوانند افکار انحرافی خود را ترویج دهند و با

غبارآلود کردن شرایط جامعه، چهره‌های شیطانی خود را چند صبایح در پس پرده تزویر و ریا مخفی کنند و بر هدف اصلی خود که منزوی کردن حق و حقیقت است، دست یابند و گاه نیز با تحریک قبایل، گروه‌ها و نژادها برای ایذاء مسلمانان، همواره لطمات اقتصادی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی فراوان بر پیکره جامعه وارد ساخته‌اند و در موارد بسیار دیگری که در تمام آنها، فتنه‌هایی بر پا گشته، جامعه اسلامی خود را در آماج حملات فتنه‌گران یافته است.

لذا شناخت فتنه و ابعاد مختلف آن، یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی، سیاسی و حتی اعتقادی هر جامعه به شمار می‌آید که بدون این شناخت، امکان هیچ نوع درمان، پیش‌گیری و گریز از فتنه وجود ندارد.

در مکتب اسلام، لزوم شناخت و درک ابعاد «فتنه» از دو جهت، اهمیت مضاعف یافته است:^۲

الف. در قرآن کریم، ۶۰ آیه وجود دارد که از فتنه، مشتقات وصیغه مختلف آن سخن به میان آمده و به انواع فتن و فتنه‌هائی که در فرا راه بشر است، توجه شده است. همچنین آثار مخرب و ویران‌گر فتنه و فتنه‌گری را در درون جامعه و امت اسلامی بلکه در سطح جوامع بشری و غیر اسلامی بیان نموده است.

ب. در طول زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام)، حوادث و جریانات اجتماعی- سیاسی مختلفی به وقوع پیوسته که به صراحة آن را فتنه نامیده‌اند که کلام و عملکرد معصومین (علیهم السلام) در برخورد با این فتنه‌ها را می‌توان به عنوان یک شاخص جامع، در درک و شناخت ابعاد مختلف این موضوع دانست. اما در عصر غیبت، به دلیل نبود حضور ظاهری و پیکر عنصری و فیزیکی امام، بر حاکمیت جامعه اسلامی، برداشت‌ها، رویکردها و عملکردهای متفاوت و بعضًا متناقضی در پرداخت به موضوعات مختلف از جمله موضوع «فتنه» وجود داشته است که درک واقعی از مفهوم «فتنه» را به چالش کشیده است و فتنه و فتنه‌شناسی، ذوقی، سلیقه‌ای و بعضًا برخاسته از خواستگاه‌های فردی - در راستای بهره‌بری مادی و افزایش قدرت خود و یا کاهش قدرت دیگران - تعبیر شده است و شناخت فتنه، خود به یک مفهوم غبارآلود و فتنه‌ای در «فتنه‌شناسی» مبدل شده است و از حقیقت امر که مطابق با قرآن و سیره اهل بیت (علیهم السلام) است، فاصله بسیار گرفته است.

لذا در ک عقیق، نگاه دقیق و شناخت صحیح (فتنه)، برای کم کردن این فاصله، مستلزم توغل علمی و تفکر اصولی و بررسی تمام مراتب فتنه از ریشه و لغت تا مفهوم و کلیت، از تعمق در جزئیات تا تدبیر در کلیات فتنه است.

از این رو در گام نخست، لازم است:

الف. معانی لغوی و مفهومی فتنه از دیدگاه قرآن کریم، کلام معصومین (علیهم السلام)، گفتار اندیشمندان اسلامی و صاحب نظران حوزه ادبیات و علوم مختلف بررسی شود. بدیهی است برای شناخت کامل یک اصطلاح، باید بدو تبیین مفهوم لغوی آن و سپس تعاریف اصطلاحی موجود، بررسی و درنتیجه به یک تعریف نسبتاً جامع و مانع دست یافته و نیز لازم است که مفهوم اصطلاح مورد نظر، از مفاهیم مشابه و مرتبط بازشناخته شود

ب. مسیر تکاملی «فتنه»، از لغت تا اصطلاح متداول امروزی آن، مورد بحث قرار گیرد که چرا و چگونه «فتنه» از مترادفات و همقطاران واژه‌ای خود، فاصله گرفته و در مفهومی خاص و بلکه در یک فرهنگ تمام بعده، به کرسی نشسته است؟

این کتاب هر چند مختصر، اما در حقیقت یک دانشنامه و فرهنگ کوچک است. کتاب فرهنگ مفاهیم، اصطلاحات، مترادفات، واژگان هم قطار، واژگان قریب المعنی، مشترک المعنی و هم ریشه‌های واژه «فتنه» است که در فصول و گفتارهای مختلف خود، سعی بر آن دارد که ضمن ریشه‌یابی واژه فتنه، تمام اصطلاحات و مفاهیم و لغات در علوم و فنون مختلف را که می‌تواند به نحوی در درک بهتر این واژه یاری رسان باشد، بررسی نماید و از کلیه ابزارهای معنایی، لغوی و مفهومی برای شکافتن مفهوم (فتنه) استفاده کند تا تبار «فتنه» را از علوم و کتب مختلف بشناساند.

نگاه به کتاب تبارشناسی فتنه، به عنوان «دانشنامه واژه فتنه»، (فرهنگ مفاهیم، اصطلاحات، مترادفات، واژگان هم قطار، واژگان قریب المعنی، مشترک المعنی و هم ریشه‌های واژه فتنه)، از دو جهت حائز اهمیت است و از دو منظر اطلاق دانشنامه بر این کتاب، مورد تأکید قرار می‌گیرد:

الف. این کتاب همچون تمام دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های لغت به دنبال نتیجه‌گیری و رسیدن به یک محصول و نظریه خاص نیست، بلکه بر آن است که آنچه در باب شناخت واژه و مفهوم فتنه بیان شده و برداشت می‌شود، به صورت یکجا، در این

مجموعه گردآوری، تشریح و به تفصیل، تفسیر نماید تا هر آنچه را که واژه یا مفهوم فتنه در خود نهان دارد، آشکار سازد.

هرچند در سیر تدوین کتاب، نحوه جمع‌آوری مطالب، تشریح و تفسیر معنای فتنه و سیر تحولات این واژه تا رسیدن به مفهوم و اصطلاح رایج آن، یک مفهوم و معنا بارزتر و آشکارتر می‌شود و جمع‌بندی‌ها پایان هر فصل یا گفتار، خود به خود به عنوان یک نتیجه‌گیری ظهور می‌یابد، لیکن نگاه این کتاب به واژه فتنه، در حقیقت یک نگاه دانش‌نامه‌ای و فرهنگ‌شناسی و به عنوان یک جمع‌بندی جامع از مطالب است و نه نتیجه‌گیری خاص؛ چرا که هدف آن است که اولاً، در استفاده از این کتاب، دیدگاه‌ها و برداشت‌های محققان و پژوهش‌گران در این زمینه آزاد و مستقل باشد و این کتاب نگرشی جهت‌دار را بر برداشت‌ها تحمیل نماید. ثانیاً، محصول مطالعه این کتاب، یک محصول صرفاً علمی، پژوهشی و یک نگاه تحقیقاتی باشد و برخاسته از خواستگاه‌های سلیقه‌ای، شخصی و بعض‌ا سیاسی خاص و جهت‌داری نباشد.

ب. بیان اقوال مشترک و مشابه در موضوع فتنه، از کتب‌های مرجع مختلف، بیان معانی یکسان از دیدگاه مفسران و واژه‌شناسان مختلف، شرح و تقسیم‌بندی ساختارهای دستور زبان و ادبی این واژه و ذکر تمام آیات و بسیاری از روایت در باب فتنه، از ویژگی‌های دانش‌نامه است. لذا اطباب مطالب و شرح و بسطهای عمیق و طولانی در این کتاب، از آن جهت است که این مجموعه در باب واژه‌شناسی فتنه، جامعیتی تمام و کمال داشته باشد و هیچ مطلبی فروگذار نشده باشد. به طوری که برای شناخت واژه فتنه، دیرینه‌شناسی و تبارشناسی آن، نیاز به جستجو و تحقیق در هیچ کتاب و یا مرجع دیگری نباشد.

این اثر در مجموع یک دیرینه‌شناسی و یک تبارشناسی است^[۱]. تبارشناسی یک واقعیت، به بررسی چگونگی و چرایی دگرگونی‌ها و تغییرات شناسه‌ها و دوره‌های نظام‌های دانش یا سامان‌های فکری می‌پردازد. دانش و قدرت دو روی یک‌سکه‌اند. تبارشناسی یعنی یافتن این که تغییر شبکه قدرت چگونه باورهای متناسب با خود را می‌آفریند. تبارشناسی یعنی این که دانش و قدرت، چگونه با خاصیت حقیقت‌ربایی و حقیقت‌زایی، خود را چیزه می‌سازد. تبارشناسی پی‌جوبی اصل و ریشه پدیدارهایی است که به عنوان حقیقت عرضه شده‌اند.^۳

لذا در این کتاب، در تبارشناسی واژه فتنه، می‌توان سریان و جریان معنایی فتنه (از واژه تا فرهنگ) را این‌گونه به نظاره نشست که:

در ابتداء، دلیل اهمیت، لزوم و وجوب بحث، تفکر و تعمق در کلماتی که شرع مقدس و سیره اهل بیت(علیهم السلام) بر آن تأکید دارد و در قرآن کریم ذکر شده است – که فتنه نیز از جمله آن‌ها است – بیان شده. سپس از (فتنه) به‌طور اخض در این مقوله – یعنی دلایل لزوم شناخت فتنه – قلم به نگارش در آمده است.

در فصل بعد، به دنبال یافتن ریشه یا ریشه‌هایی برای واژه فتنه در فرهنگ‌های لغت عرب، لغت‌نامه‌های فارسی و کتب تفسیری پرداخته می‌شود تا تمام وجودهای معنایی این واژه و رابطه آن با ریشه‌های سه‌گانه فتنه، در متون مختلف از دیدگاه لغوی‌سون و واژه‌شناسان، مشخص گردد.

در فصل سوم، به بررسی فتنه در علوم و ادبیات مختلف پرداخته می‌شود و وجودهای معنایی فتنه و ترکیبات آن در ادبیات فارسی، ادبیات عرب، ادبیات عرفانی، علم حروف و در نگاه تفسیری مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

فتنه در قرآن کریم و کلام ائمه مصصومین(علیهم السلام)، خصوصاً نهج‌البلاغه، دارای اهمیت بسیار است. در فصل چهارم، به واژه‌شناسی فتنه از نگاه شرع مقدس یعنی قرآن کریم و کلام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود و وجودهای معنایی آن در قرآن کریم و نهج‌البلاغه، شناسایی می‌شود.

در فصل آخر، ضمن مقایسه ریشه‌های سه‌گانه فتنه، با یکدیگر، با توجه به آنچه که در فصول گذشته بیان شده است، در یک جمع‌بندی، یک معنای ریشه‌ای جامع و کامل، به عنوان ریشه اصلی فتنه، برگزیده می‌شود و سپس تعریف جامع و کاملی برای فتنه از دیدگاه واژه‌شناسانه، بیان می‌شود.

در این کتاب، از قرآن به خط عثمان طه استفاده شده است. ولی بر حسب نیاز و ضرورت از ترجمه واحدی استفاده نشده است. ترجمه‌های قرآن کریم مورد استفاده در این کتاب عبارت‌اند از: ترجمه محی‌الدین مهدی‌الهی قمشه‌ای، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ترجمه بهاء‌الدین خرم‌شاهی، ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی، ترجمه دکتر محمد مهدی فولادوند و ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.

در این اثر در بهره‌بری از نهج‌البلاغه، از ترجمه‌های علامه محمد تقی جعفری،

ترجمه علی نقی فیض الاسلام، ترجمه ابن ابی الحدید، ترجمه شمس الدین محمد بن مراد که تا جلد هفتم نهج البلاغه ابن ابی الحدید را به فارسی برگردانده است و بیشترین استفاده از ترجمه محمد دشتی شده است.

در پایان تشکر و قدردانی فراوان دارم از:

- معاونت محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، جناب آقای دکتر اصغر افتخاری که با ارزیابی این اثر و راهنمایی‌های علمی خود، در ارتقاء سطح علمی کتاب، بنده را مورد عنایت قرار دادند.
- دبیر پژوهه فتنه در انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، جناب آقای محسن آقاسی، که با جدبیت و تلاش فراوان جهت هماهنگی بخش‌های مختلف پژوهه و اجرای کامل و جامع آن، از ابتدای پژوهه تا مراحل چاپ و تولید یاری رسان بودند و از هیچ کوششی دریغ ننمودند.
- همسر بزرگوارم، خانم فخرالسادات رهنمایی که در مراحل مختلف تألیف و گردآوری مطالب، بنده را یاری نموده‌اند.

پادداشت

[۱]. دیرینه‌شناسی و تبارشناصی:

سخن در باب دیرینه‌شناسی و تبارشناصی بسیار زده شده است، اما از آنجایی که عنوان این کتاب تبارشناصی است، در شناخت این مفهوم به مختصراً که برگرفته از مقاله «دیرینه و تبار دموکراسی در ایران» می‌باشد بسنده می‌شود:

مفاهیم دیرینه‌شناسی و تبارشناصی از عناصر و دقایق گفتمنی می‌شل فوکو هستند که در گستره مفهوم اساسی گفتمنان (Discourse) مطرح می‌شوند. تیم دانت (Tim Dant) منظور فوکو از گفتمنان را چنین خلاصه می‌کند: «گفتمنان، توده بی‌شکل عبارات و گزاره‌هایی است که در آن دیرینه‌شناس، نظم و قاعده «پراکندگی» را کشف می‌کند.»

دیرینه‌شناسی (Archaeology) به تاریخ و دیرینه‌نگاری توجهی ندارد. دیرینه‌شناسی، گزینشی تاریخی است که تلاش می‌کند اصول تحول درونی و ذاتی ای را که در حوزه معرفت تاریخی صورت می‌پذیرد، کشف کند. دیرینه‌شناسی یک روش است. دیرینه‌شناسی، شیوه کشف دانایی و کشف شکل‌های دگرگونی آن صورت‌بندی نهایی است که در آن دانش ممکن می‌شود، شکل می‌گیرد و تحقق می‌یابد. دیرینه‌شناسی «شیوه تحلیل قواعد نهفته و ناآگاهانه تشکیل گفتمنان‌ها در علوم انسانی می‌باشد. هدف آن، توصیف آرشیوی از احکام است که در یک عصر و جامعه خاص رایج هستند. آرشیو، خود موجد مجموعه قواعدی است که اشکال بین حفظ و احیای احکام را مشخص می‌کند. دیرینه‌شناسی نشان می‌دهد که چه مفاهیمی معتبر یا نامعتبر، جدی یا غیرجدی شناخته می‌شوند. هدف، کشف معنای نهفته و برخوردار از حقیقتی عمیق نیست و سخنی از منشأ گفتمنان و یافتن آن در ذهنی بنیان‌گذار به میان نمی‌آید، بلکه دیرینه‌شناسی در پی شرح شرایط وجود گفتمنان و حوزه عملی کاربرد و انتشار آن است.»...

دیرینه‌شناسی، از سوژه حاکم بر تاریخ، مرکزدایی می‌کند و به جای آن، بر تحلیل قواعد گفتمنانی تشکیل اندیشه، تأکید می‌نماید. دیرینه‌شناسی، فضا و زمانه تاریخی را در فهم متن به کمک می‌گیرد تا بر جسته‌ترین وجوه «داده‌های تاریخی» را در texture یا بوم فهم، نقاشی کند. دیرینه‌شناسی در پی نفی فضا و زمانه تاریخی

برنمی‌آید؛ بلکه تلاش می‌کند به کمک حواشی محل‌ها و زمانه‌های حول و حوش آنها، به فهم تاریخی قابل توجهی نایل آید. از همین‌رو است که دیرینه‌شناسی به حاکمیت سوژه یا موجودی خودآگاه می‌انجامد که در هیبت یک دیرینه‌شناس بر تاریخ حاکم می‌شود و تلاش می‌کند «برای توصیف یک محل خاص، به یاری صورت خارجی محل‌های حول و حوش آن برآید»؛ نه آنکه متن را در خدمت حاشیه و حول و حوش قرار دهد. چنین تلاشی است که در عبور از مقاطع گوناگون تاریخی، زمینه‌پرور و بسترساز تبارشناسی (genealogy) می‌شود.

تبارشناسی، تاریخی است که در پرتو علائق حاضر نوشته می‌شود و با خود، نگاه به مسائل حال حاضر را حمل می‌نماید و از این طریق در زمان فعلی مداخله می‌کند. چنانکه پیش‌تر نیز گفته شد، تبارشناسی، تاریخ مؤثری است که در مقام دخالت از موضع فعلی نوشته شده باشد.

در نزد فوکو، تبارشناسی روشی است که منشأ و آغازی را در تاریخ نمی‌شناسد. تمرکز تبارشناسی بر تفرق‌ها، تمایزها، ناسازواره‌گی‌ها، انقطاع‌ها و پراکندگی‌ها است. تبارشناسی، لحظه ظهور را نقطه عالی تکامل نمی‌داند، بلکه از هویت بازسازی شده اصل و منشأ و پراکندگی‌های نهفته در پی آن و از «تکثیر باستانی خطاهای» سخن می‌گوید. تحلیل تبار، وحدت را در هم می‌شکند و تنوع و تکثر رخدادهای نهفته در پس آغاز و منشأ تاریخی را بر ملا می‌سازد و فرض تداوم ناگسته پدیده‌ها را نفی می‌کند. تبارشناسی از رویدادها، انحرافات کوچک، خطاهای ارزیابی‌های نادرست و نتیجه‌گیری‌های غلطی سخن می‌گوید که به پیدایش آنچه برای انسان ارزشمند است، انجامیده‌اند.

تبارشناسی، پیدایش علوم انسانی و شرایط امکان آنها را به‌نحو جدایی‌ناپذیری با تکنولوژی‌های قدرت مندرج در کردارهای اجتماعی، پیوند می‌دهد. تبارشناسی، آنچه را که تاکنون یکپارچه پنداشته شده، متلاشی می‌کند و ناهمگنی آنچه را که همگن تصور می‌شود، بر ملا می‌سازد. تبارشناسی، به عنوان تحلیل تبار تاریخی، تداوم‌های تاریخی را نفی می‌کند و بر عکس ناپایداری‌ها، پیچیدگی‌ها و احتمالات موجود در پیرامون رویدادهای تاریخی را آشکار می‌سازد.^۴

پی‌نوشت‌ها

-
۱. آیت‌الله خامنه‌ای، بر گرفته از خطبه‌های نماز جمعه تهران ۷۸/۵/۸
 ۲. در فصل بعد، به طور تفصیلی، علل اهمیت شناخت فتنه در اسلام، بیان خواهد شد.
 ۳. میشل فوکو (Michel Foucault)، تاریخ جنسیت، بخش اراده به دانشن
 ۴. برگرفته از مقاله مهدی مطهر نی، دیرینه و تبار دموکراسی در ایران، (مجله تاریخ زمانه، سال چهارم، آبان (۳۸، شماره ۱۳۸۴



اهمیت واژه‌شناسی فتنه

کلیات

در طول تاریخ اسلام، جایگاه فهم و تحلیل صحیح آیات قرآن کریم در فکر و اندیشه عامه مسلمانان و نیز اندیشمندان و علمای مسلمان در هر رشته علمی، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ در این راستا، بررسی‌های واژه‌شناسانه لغات و مطالعات ادبی، مواد و ریشه کلمات، همواره در چگونگی فهم آیات قرآن کریم، بسیار اثرگذار بوده است؛ به‌طوری‌که این رشته علمی - یعنی واژه‌شناسی - همیشه از بازار پررونقی در میان محققان مسلمان برخوردار بوده است. اهمیت بحث و بررسی واژه‌شناسانه یک لغت از یک طرف در گرو میزان اهمیت و کاربرد آن واژه، در عالم واقع و سطح جامعه است و از طرف دیگر در گرو میزان اعتبار و اصالت واژه است که آیا این واژه به عنوان یک حقیقت مشروع، تکویناً در نظام هستی بوده و خواهد بود و از طرف شارع وضع شده است و یا یک حقیقت متشرع است که اعتباراً بر حسب نیاز، از طرف متشرعيین بیان شده است و اهمیت آن در طول تاریخ کم‌رنگ یا پررنگ می‌شود؟

یکی از واژه‌هایی که دارای موارد استعمال زیادی در قرآن کریم است و کلمات هم‌ریشه آن نیز در قرآن کریم، پرکاربرد است، واژه فتنه است. از مهم‌ترین دلایل بررسی واژه‌ای و لغوی کلمه فتنه به صورت جامع، همان دلایل مذکور یعنی استعمال فراوان این کلمه، در قرآن کریم، به عنوان حقیقت مشروع است که شارع مقدس آن را بیان داشته است.

مفاهیم و کلماتی که به عنوان حقیقت مشروع در قرآن و روایات بیان شده است، همواره واژگان و مفاهیم ذو وجہین هستند. به‌طوری‌که نه تنها به صورت ظاهر و محسوس در نظام تشریعی و طبیعی عالم هستی نمایان شده و به عنوان یک واقعیت، ظهور یافته و

قابل درک است، بلکه به عنوان حقایق تکوینی نظام هستی، در باطن و سیرت نظام هستی و افراد بشری نیز ساری و جاری است و بطنی از بطون عالم هستی را در خود نهفته دارد. به عبارت دیگر، این قبیل واژگان، هم در شریعت، ظاهر و صورت نظام هستی پر کاربردند و ابعاد معنایی فراوان را با خود به همراه دارند و هم در عرصه ماوراء الطیعت، بطون و سیرت نظام هستی - و انسان که جزئی از نظام هستی است - مراتب معنایی عمیق و لطیف را با خود به همراه دارند که فرموده‌اند: «إِنَّ لِلْقُرْآنَ ظَهِيرًا وَ بَطْنًا وَ إِلَى بَطْنِهِ سَبَعَةُ أَبْطَنٍ».^۱ برای قرآن و تک‌تک عبارات و واژگان آن - که حقیقت شرعیه هستند - هم در ظاهر و صورت و هم در باطن و سیرت، معنای‌ای وجود دارد که هر باطنی خود هفتاد معنا را در ضمیرش نهفته دارد.

لذا قبل از بررسی «اهمیت و لزوم شناخت واژه فتنه»، لازم است در سطح وسیع تر و جامع‌تر، لزوم شناخت کلمات و واژگان قرآنی را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. مبحث پیش‌رو در این قسمت با عنوان «تبارشناسی واژگان قرآن، یک واجب عقلی و شرعی» هر چند در ظاهر اطماب مطلب است و معتبرضه‌ای است که اندکی از بحث فاصله می‌گیرد، لیکن از یک سو انگیزه اصلی نگارنده در اهتمام بر این اثر - به عنوان یک اصل فروگذار شده و یک آسیب در مطالعات قرآنی - بوده و از سوی دیگر به دلیل پیوند آن با فصول آتی کتاب، پایه و اساس بحث قرار می‌گیرد و می‌تواند به نحوی مکمل و متمم مبحث اصلی یعنی شناخت فتنه باشد. لذا نفاست آن، جابر بوده و بیان آن در اینجا سزاوار است.

۱. تبارشناسی واژگان قرآن؛ یک واجب عقلی و شرعی

علوم و معارف در هر شاخه و گرایشی، دارای منافعی هستند که گاه این منفعت مادی و ظاهري و گاه معنوی و باطنی است. هر علمی ظرف وجودی انسان را گستردۀ تر و او را برای درک بیشتر و دریافت حقایق نظام هستی آماده‌تر می‌کند و لذا تمامی علوم، برای بشر سودمند هستند، مگر این که هدف از آموختن آن، سوءاستفاده‌های بشر باشد که برخلاف نظم و عدالت نظام هستی از آن‌ها استفاده شود (مانند بمب‌های کشتار جمعی). حقیقت علوم و یادگیری آن، همواره مثبت، سودمند و در خدمت انسان است تا او را به سوی کمالات سوق دهد و آن‌چه مذمت شده است، نحوه به کارگیری بد آن است. دایره علوم، فنون و معارف، گستردۀ و لایتنه‌ی است و همگان از درک همه آن عاجز

و ناتوانند. از این رو آنکه اهل زکاوت و تیزهوشی است. در میان این دریای عمیق و بی‌انتهای علم، به دنبال کامل‌ترین، سودمندترین و غنی‌ترین علم می‌رود که «المؤمن کیس فطن حذر ...»^۲ چراکه می‌دانند: چون که صد آمد، نود هم پیش ماست.^۳ از این رو انسان متعمق و محقق در میان دریای لایتناهی علم، به دنبال فraigیری برترین و نیکوترین علم‌ها می‌رود. صاحب علم اول و آخر، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: علم بیش از آن است که به شماره آید. پس از هر چیز، نیکوترینش را فraigیر.^۴

از طرف دیگر «معرفة النفس، انفع المغارف»^۵ است؛ حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که تمام دریای علوم را درنرویدیده‌اند و تمام اعماق اقیانوس معارف را غواصی نموده‌اند، نقطه انکشار و انتشار علم را از خود (انسان) می‌دانند^[۱] و هیچ علمی را پر منفعت‌تر از معرفت نفس نمی‌داند؛ زیرا هر کس که خود را بشناسد، تمام علوم مادی و تمام علوم فرامادی را در خدمت بشر و مسخر خویش می‌یابد.

از این رو، تحصیل پر منفعت‌ترین علم و تلاش برای ادراک و یافتن «انفع المغارف» که همان علم به خویشتن، شناخت خود و معرفت النفس است، به حکم محکم عقل سلیم ناصح، امر واجب عقلی و بلکه واجب شرعی است.^[۲]

لزوم کسب و فraigیری سودمندترین علم، بر هر محقق، پژوهش‌گر و اندیشمندی که به دنبال ترفیع مقامات و کمالات خود است، فرض حتمی و یقینی است و چون نیک بنگرد به غیر از این راه، راه دیگری برای رشد و تکامل (به معنای حقیقی) نمی‌یابد. چرا که از یکسو قرآن‌کریم فرموده است: «وَعَلِمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^۶ که مراد از (الاسماء) در آیه شریفه «کل موجودات نظام هستی» است.^۷ از سوی دیگر «من عرف نفسه عرف الاشياء كلها»^۸، این دو فرمایش، بیان‌گر این حقیقت است که خداوند متعال تمام علوم و حقایق جهان هستی را در نفس انسان تعییه کرده که تمام دانستنی‌ها در وجود اوست و هر شاخه علمی و تحقیقی در مسیر خود، در گرو شناخت انسان است و رابطه تنگاتنگ بین انسان و کل نظام هستی برقرار است. «من عرف نفسه عرف الاشياء كلها».^۹

باز اگر عمیق‌تر و دقیق‌تر، پا فراتر گذاریم، درمی‌یابیم که: معرفت نفس، پلکان و نرده‌بان معرفت رب است «لأنَّ مَعْرِفَتَهَا مِرْقَاتُ مَعْرِفَةِ الرَّبِّ» و باز هم اگر یک گام جلوتر روییم، معرف النفس را عین معرفت رب می‌یابیم «بل معرفة النفس معرفة رب عند الراسخون في الحكمة المتعالية».^{۱۰}

معنای فوق را می‌توان به آسانی از فرمایش گهربار امام صادق(علیه السلام)، خطاب به «عنوان بصری» دریافت؛ آنجا که می‌فرمایند:

«علم به آموزش نیست، بلکه همانا فقط نوری است که در قلبی که خداوند تبارک و تعالی بخواهد، هدایتش کند، می‌تابد. پس اگر علم را می‌خواهی، ابتدا در نفس خودت حقیقت عبودیت را جستجو کن». ^{۱۱}

همچنین رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیز فرموده‌اند: «اعلمکم بنفسه اعلمکم بربه». ^{۱۲} در روایت دیگر است که: «من عرف نفسه فقد عرفه ربی». ^{۱۳} در معنای این احادیث به نحو برهان لم - که لطیف‌تر از معنای آن به نحو برهان ان است - [۳] این گونه بیان می‌شود که «آن کسی خود را بهتر از دیگران می‌شناسد که خدای خود را بهتر شناخته باشد و به تعییر دیگر، هر کس خداشناصی‌تر است، خودشناصی‌تر است». لذا اگر به حکم عقل، عالم شدن و تحقیق در خویشتن خویش، فرض است، شناخت خداوند و معرفت به آن حقیقت واحد و صمدی، نیز در مرتبه اولی حکم و فرض عقلی و شرعی، است.

از طرف دیگر همان‌طورکه خداوند سبحان، حقیقت لايتناهی، بی‌پایان و نور واحد است، قرآن‌کریم نیز باید این گونه باشد. چرا که هر اثر، نمودار دارایی و بیان‌گر قدرت و تدبیر مؤثر خود است و قرآن حقیقت مطلق و بحر لايتناهی کلمات حضرت حق است. «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنَفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جُئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَادًا». ^{۱۴} «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أُقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمْدُدُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». ^{۱۵}

چنانچه خداوند متعال نور کل اشیاء است و همه چیز به او شناخته می‌شود. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» ^{۱۶} کتاب او - قرآن کریم - نیز تبیان و نور کل اشیاء است «وَنَزَّلَنَا عَلَيْنَا الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ». ^{۱۷} چیزی نیست که قرآن، تبیان آن نباشد؛ چراکه این مصحف قول کامل است و هیچ چیز را فرو گذار نکرده است. «لَا رَبْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ». ^{۱۸} «لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أُحْصَاهَا». ^{۱۹}

از این جهت است که در روایت آمده است: هر کسی که علم اولین و آخرین را اراده دارد، قرآن را بشوراند. ^{۲۰}

از این رو تنها دستورالعمل جامع و مانع و کامل‌ترین کتاب روش تحقیق و اصول مطالعه در شناخت انسان، عالم و خدای عالمیان، مصحف شریف قرآن‌کریم است. کسی که اندیشمند و فکور است، به دنبال مطالعه و پژوهش در علوم مختلف است، یادگیری سودمندترین و پر نفع‌ترین علوم را بر خود تکلیف و واجب نموده است و خود را دانشجوی علم انسان‌شناسی می‌داند، به همان اندازه‌ای که حقیقت قرآن‌کریم را واقعاً و نه لفظاً دارا شد به همان اندازه خود و خدا را شناخته، به حقیقت انسان و کمال انسانی دست یافته و فرمول‌ها و مجھولات عالم و ابواب دانش بر او مکشوف می‌شود. بنابراین در راستای «من عرف نفسه فقد عرف رب»^{۱۱}، خود را مکلف و مسئول می‌داند که قرآن را بشناسد، در آیات آن تحقیق و تعمق نماید و حقایق، مجھولات و ناگفته‌های آدم و عالم را در قرآن جستجو کند. بر طبق روایات مأثوره از معصومین(علیهم السلام)، قرآن خزانی است که چون هر یک از این خزانی گشوده گردد، سزاوار است که در آن نظر و دقت به کار آورده شود.^{۱۲}

اما قرآن چیست؟ چگونه باید آن را شناخت و در آن تدبیر و تعمق نمود؟ رسول الله(صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «هر آنچه که تاکنون در تمام کتب نازله آمده است، همه یک جا در قرآن وجود دارد...»^{۱۳}. قرآن، جامع جمیع کتب آسمانی است که تمام حقایق و علوم را در خود دارد. قرآن، جوامع الكلم است که حضرت خاتم النبیین(صلی الله علیه و آله) فرمودند: «اویتت جوامعُ الكلم»^{۱۴}.

هر چند قرآن‌کریم یک حقیقت واحد است، لیکن در سیر نزولی دارای مقامات، مراتب و نشأت گوناگون است. از قرآن عینی و همه مصادیق آن «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^{۱۵} تا قرآن کتبی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعَقِّلُونَ»^{۱۶}، از بالاترین مراتب تا پایین‌ترین مرتبه – که به صورت لفظ، صوت و عربی مبین و سیاق عربی است – از فرش تا عرش را پر کرده است. از این رو دارای اسمای مختلف است و هر عالم و نشئه، اسم خاص خود را دارد.

چه قرآن را مراتب هست محفوظ ز کتبی گیر تا در لوح محفوظ^{۱۷} در عالمی «کریم»، در عالمی «مبین»، در عالمی «حکیم» و در عالمی «حکماً عربیاً» و هزاران اسم دیگر که معانی آن در حرف و لفظ نمی‌گنجد و شنیدن آن گوش جان می‌خواهد و دیدن اطوار آن چشم دل:

معانی هرگز اندر حرف ناید^{۲۸}
 هر چند الفاظ و کلمات قرآن قلیل است. اما معانی، بواطن و تاویل آن، کثیر است.
 در روایت است که: همانا برای قرآن ظاهر و بواطنی است و برای هر بطن آن تا هفتاد
^{۲۹} بطن وجود دارد.

اولین مرتبه از مراتب قرآن، همین قرآن عربی و مجموعه حروف است. لذا روایت
 مذکور را می‌توان بر تک‌تک اجزای قرآن نیز بیان نمود که سوره، آیات، کلمات و حتی
 تک‌تک حروف قرآن نیز یک ظاهر و یک سیاق و لفظ عربی دارند، لیکن معانی و
 بواطن آن‌ها لايتناهی است، چراکه قرآن کریم لايتناهی است و سند این مطلب را
 می‌توان در کلام معصوم (علیه السلام) جستجو نمود که فرموده‌اند: «هیچ حرفی از
 حروف قرآن نیست، مگر اینکه برای آن [حروف]، هفتاد هزار معنا باشد...»^{۳۰}

از آنجایی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) حروف قرآن را اسماء الله^{۳۱} دانسته‌اند و
 معصومین (علیهم السلام) در روایات متعدد، از یکسو برای هر یک از حروف قرآن معنا
 و مفهوم خاص بیان نموده‌اند و تک‌تک حرف آن را معنا کرده‌اند^[۴] و از سوی دیگر
 برای هر یک از این معانی، بواطنی را دانسته‌اند، لذا در مقام ادراک و فهم سور و آیات
 آن، بدواناً نیاز به شناخت حروف و کلمات قرآن است. ورود در مدادن حکمت که
 سوره‌های قرآن‌اند و رسیدن به خزانه آن که آیات هستند، در گرو علم به کلمات و
 واژگان قرآن (جواجم الكلم) و ادراک حروف که اسرار و اسماء الله‌اند، می‌باشد.^[۵]

در یک نگاه کلی از مطالب و مباحث اخیر می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که:
 آن محقق، پژوهش‌گر و اندیشمندی که به دنبال علوم و حقایق جهان هستی است و
 واجوب شناخت سودمندترین علم و انفع المعرف (معرفة النفس) را به حکم عقل
 ناصح، باور دارد، برای این شناخت، تفکر و تدبیر در قرآن را بر خود لازم می‌داند و با
 توجه به آنچه بیان آن گذشت، از پله اول که همان سیاق عربی و قرآن کتبی است،
 شروع می‌کند و برای این مهم خود را مکلف به شناخت آیات و بلکه شناخت، تفکر و
 کاوش در تک‌تک کلمات قرآن می‌داند.

می‌داند که قرآن کریم نور است، علم لايتناهی است. لذا کلمات و حروف قرآن نیز
 علم و نور است و هر کس بخواهد به نور برسد و به علم اول و آخر دست یابد، لازم
 است از کلمات قرآن کریم شروع کند. به هر اندازه که در کلمات و الفاظ قرآن کریم

تحقیق شود، مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد و معانی حقیقی آن ادارک شود، به همان اندازه، آیات، سور و کل قرآن کریم مکشوف می‌گردد و قابل فهم می‌شود.^[۶] آنچه که تا کنون شاید تا حدودی فروگذار شده و یا در طول تاریخ و سیر تفکرات و مطالعات قرآنی به آن کمتر توجه شده است، بررسی کلمات، الفاظ و واژگان قرآن کریم در سطح جامع و گسترده است. با همان جدیت و همتی که در تفسیر، تشریح و تأویل سور و آیات قرآنی پرداخته شده و می‌شود، در شناخت و تفسیر کلمات قرآنی نیز باید با همان جدیت، اهتمام تام ورزید.

هر یک از کلمات قرآن کریم (که نور واحداند) نیاز به یک دانشنامه و فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم دارند. باید کلمات قرآن کریم موشکافی شود، ابعاد لغوی، مفهومی و معانی آن مشخص گردد، متراffفات و همقطاران واژه‌ای آن و وجودهای اقتراض و افتراء آنان بررسی گردد، تا گام بعدی که شناخت و ادرک آیات (و به دنبال آن فهم کل قرآن کریم) است، صحیح، دقیق، بدون شبیه صورت گیرد.

تا ظاهر کلمات قرآن، کالبدشناسی نگردد، تا صورت لغوی عربی واژگان قرآن کریم تبارشناسی نگردد و دیرینه این کلمات مشخص نشود، نمی‌توان به صورت علمی، اصولی و خارج از هر شایه و تفسیر به رأی، به بواسطه و حقایق کلمات و به تبع آن، تفاسیر و بواسطه آیات و قرآن کریم رسید.

لذا در قرآن کریم که به عنوان جامع ترین دستورالعمل و روش تحقیق و مطالعه انسان و جهان بیان شد، همواره لزوم مطالعه واژه به واژه کلمات قرآنی، به عنوان یک واجب عقلی و شرعی مبرهن است.

۲. لزوم شناخت فتنه

کلمات بسیاری مانند شهادت، جهاد و صلاة وجود دارند که در طول تاریخ، از معنای لغوی و ریشه‌ای خود فاصله گرفته‌اند و در یک مفهوم و اصطلاح خاص مطرح و بعضًا مبدل به یک فرهنگ شده‌اند. درک عمیق این واژگان، ضرورت وجود علمی به نام واژه‌شناسی را بیان می‌دارد. بررسی لغوی و واژه‌شناسانه لغات در مباحث تحقیقی و تفسیری، از جایگاه خاصی برخوردار است و در پی این هدف، بررسی‌های ریشه‌شناسانه در رابطه با کلماتی که دارای چند معناست، حائز اهمیت است.

بسیاری از واژگانی که دارای حروف اصلی یکسانی هستند و در عین حال معانی